

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/11/30

موضوع: اعلام رسمی پایان افسانه شوم «احمد الحسن»!

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

زیارتی مختصر، با فضیلت و ثواب بسیار، برای «لیلة الرغائب»

پیامی قابل تأمل، از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

اعلام رسمی پایان افسانه شوم «احمد الحسن»!

برخی از ادعاهای باطل «احمد اسماعیل» مدعی دروغین یمانی!

1- ادعای امامت برای خود

2- نسبت جهالت به حضرت ابراهیم (علیه السلام)

3- اعتقاد به جهنمی بودن حضرت یونس (علیه السلام)

4- انکار خاتمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ادعای نبوت خویش!

5- اهانت وقیحانه به ساحت مقدس امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

6- اهانت به علمای شیعه، سنی و مسیحی!

مراد از ارث بردن امیرالمؤمنین از پیامبر اکرم چیست!؟

آیا این ادعای «ابوبکر»، خلاف آیه صریح قرآن نیست!؟

آیا این منطق وارد شده در منابع اهل سنت، عقلاً قابل پذیرش است!؟

تقسیم بندی چهارگانه صحابه از منظر امیرالمؤمنین (صلی الله علیه و آله)

تماس بینندگان برنامه

نکته سنجی زیبایی یک بیننده از واقعیت های تاریخی صدر اسلام!

صحبت های بسیار عجیب «ابن عباس» در آخرین ساعات عمر خود!

این نظر قطعی شیعه پیرامون صحابه پیامبر است!

**مجری:**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله

الطاهرین

امشب شب آرزوهاست

من به صد خواهش و منت

ز خدا خواسته ام

که در این ساعت خیر

مرغ آمین به سراغت آید

و دعایی که تو بر لب داری

به اجابت ببرد

ای یار ز دیده گشته غائب برگرد

ای حجر تو اعظم مصائب برگرد

امشب ز خدا فقط تو را می‌خواهیم

ای آرزوی شب رغائب برگرد

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». این افتخار را داریم تا در «لیلة الرغائب» با برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگان شما باشیم.

برنامه‌ای که الحمدلله از محضر استاد گرانقدر و بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی بهره مند خواهیم شد. خدمت شما سلام عرض می‌کنم و این مناسبت را تبریک عرض می‌کنم؛

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستید یا تکرار برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و فرارسیدن «لیلة الرغائب»، اولین شب جمعه از ماه رجب، ماه نزول ملائکه الهی بر بشارت به بندگان و قضای حوائج و رسیدن به آرزوها را تبریک عرض می‌کنم.

### زیارتی مختصر، با فضیلت و ثواب بسیار، برای «لیلة الرغائب»

از خداوند عالم در این شب لیلة الرغائب می‌خواهیم فرج مولایمان حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) را نزدیک کند و ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد.

عزیزانی که توفیق داشتند روز پنجشنبه روزه بودند و بین نماز مغرب و عشاء دوازده رکعت نماز را با دعایش خواندند، «هنیئاً لهم» و گوارا باد بر آنها. همچنین کسانی که توفیق نداشتند، تلاش کنند امشب را با یاد خدا و ذکر خدا و عبادت خدا سر کنند.

یکی از اعمالی که برای امشب وارد شده است، زیارت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است. اگر کسی می‌تواند زیارت عاشورا را بخواند.

همچنین اگر نمی‌تواند طبق فرمایش امام صادق (علیه السلام) بر بالای بلندترین جای منزل برود به سمت راست نگاه کند، سمت چپ نگاه کند، بالای سر نگاه کند و رو به کربلای امام حسین عرضه بدارد:

### «السلام علیک یا ابا عبدالله السلام علیک و رحمة الله و برکاته»

نقل شده است با این کار خداوند عالم ثواب زیارت کربلا و امام حسین را برای او می‌نویسد.

راوی می‌گوید که وقتی من این حدیث را از امام صادق شنیدم، مرتب هر روز بالای پشت بام می‌رفتم و با این عمل زیارت امام حسین را با این وضع به جا می‌آوردم. ان شاء الله عزیزان ما قدر امشب را بدانند.

### پیامی قابل تأمل، از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

ما هم طبق برنامه‌های هرشب قبل از آغاز سخن در سایه سار حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) یادی از این بزرگوار و سیده نساء العالمین می‌کنیم، باشد خودمان و شبکه و بینندگان عزیز و دین و دنیا و آخرت را بیمه حضرت زهرا کرده باشیم.

«مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «خصال» جلد اول صفحه 173 روایتی آورده که نکته‌ای بسیار عالی است. حضرت صدیقه طاهره خطاب به مهاجرین و انصار فرمود:

«وَهَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا»

آیا پدرم روز غدیر خم برای کسی عذری باقی گذاشت؟

الخصال؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: 381 ق، محقق/ مصحح: غفاری،

علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، قم، 1362 ش، نوبت چاپ: اول، ج 1، ص 173، ح 228

این پیام حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) را با جان و دل گوش دهیم و فرا بگیریم تا در فرهنگ غدیر که از اساسی‌ترین برنامه‌های اسلامی است و تأکید مکرر رسول اکرم نسبت به غدیر هست، انجام وظیفه کرده باشیم. ما در خدمت شما هستیم.

**مجری:**

ان شاء الله که همینطور باشد. «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و الأئمة المعصومین (علیهم السلام)».

همه شما مستحضر هستید و افرادی که پای برنامه و شبکه بودند، متوجه شدند که این چند وقت، بحثی بسیار داغ شده بود و تمام شما هم دیدید به نتیجه‌های خوبی هم رسید.

بحث در رابطه با ایمیلی بود که به مکتب نجف و مکتب «احمد بصری» زده شد. همه شما مشاهده کردید که دو هفته قبل این برنامه شروع شد و این نامه از طرف حضرت استاد فرستاده شد، اما پاسخی دریافت نشد.

حال قبل از اینکه سر اصل بحث برویم، می‌خواهیم پرونده این بحث و در کنار آن تمامی پرونده جماعتی که به راه افتادند و سر و صدایشان گوش فلک را کر می‌کند ببندیم. ما یک نتیجه گیری از حضرت استاد می‌طلبیم تا ببینیم سرانجام این نامه چه شد.

**اعلام رسمی پایان افسانه شوم «احمد الحسن»!**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمرى إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير يا أبا صالح المهدي ادركنى

همانطور که بینندگان عزیز در جریان هستند، «احمد بصرى» شانزده سال قبل نامه‌ای به اعظم و بزرگان نوشته بود که ما برای عزیزمان نشان دادیم. متن نامه چنین است:

"نشر أحمد إسماعيل رسالة مفتوحة الى السيد القائد الخامنئى مد ظله (يأمره) فيها بأن يؤمن به و يسلمه حكم إيران، لأنه رسول المهدي!

و هذا نص رسالة ثانية له إلى السيد القائد الخامنئى و عدد من العلماء، عرف فيها بحركته: السلام على أهل لا إله إلا الله من أهل لا إله إلا الله، السلام على كل قلب وحد الله تعالى و أصبح بيتا من بيوته، السلام على الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه و لا تأخذهم فى الله لومة لائم

أما بعد إلى السيد على الخامنئى السلام عليكم و رحمة الله و بركاته...

إلى السيد القزوينى فى إيران السلام عليكم و رحمة الله و بركاته..."

ما ابتدا اهمیتی به این نامه ندادیم، اما سپس مشاهده کردیم که عده‌ای فریب می‌خورند و ناآگاهانه در یک مسیر نادرستی قرار می‌گیرند. ما در یک کلیپ ده دقیقه‌ای بحث کردیم و ایشان را به مناظره و مباحله دعوت کردیم.

از این قضیه حدود شش سال گذشت و ما مشاهده کردیم اتباع «احمد الحسن» امسال در فضای مجازی مکرراً می‌گویند که چرا فلانى به مکتب نجف پیام نمی‌دهد تا برای مناظره آماده شود. مکتب نجف زبان گویای «احمد بصرى» است.

ما دو هفته قبل جلوی چشم بینندگان عزیزمان ایمیلی به مکتب نجف ارسال کردیم و وصول آن را هم به عزیزانمان نشان دادیم.

ما از «احمد بصری» که مدعی است من فرزند حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هستم و مرا برای زمینه سازی برای قیام خودشان فرستاده‌اند، برای مناظره و مباحله دعوت کردیم.

مناظره ما در این خصوص نیست که ایشان فرزند حضرت مهدی است یا زمینه ساز قیام حضرت مهدی است، بلکه ما گفتیم با توجه به آثاری که از ایشان در فضای مجازی منتشر شده است برای ما محرز و قطعی و یقینی است که ایشان مرتد است.

ما در رابطه با ارتداد ایشان حاضریم با ایشان مناظره و مباحله داشته باشیم. ما یک هفته فرصت دادیم، اما متأسفانه در این یک هفته هیچ خبری از ایشان نشد.

اتباع «احمد الحسن» در فضای مجازی جولان دادند. یکی گفت: "مراد ایشان سید قزوینی در عراق است"، اما ما گفتیم که در نامه «السید القزوینی فی ایران» نوشته شده است.

دیگری گفت: "ما سرگردان و حیران ماندیم. اگر مکتب نجف جواب ندهد، ما نمی‌دانیم چه خواهد شد!"

در حال حاضر چهارده روز گذشته است، اما مکتب نجف هیچ جوابی نداده و قطعاً هم نخواهد داد. این افراد در بن بستی قرار گرفته‌اند که نه راه پس دارند و نه راه پیش دارند.

ما هم روی یک نقطه ظریف دست گذاشتیم و گفتیم: اگر مطالبی که از ایشان در فضای مجازی پخش شده متعلق به ایشان هست و به نام ایشان هست، ارتداد و کفر ایشان را ثابت می‌کند! چرا ایشان نیامد؟!

البته بنده به یقین رسیدم که اصلاً ایشان وجود خارجی ندارد. حال از گفتن اینکه از کجا به یقین رسیده‌ام، معذورم. در مقابل ایشان هیچ پیامی نداد، حتی از همان شخصیت جعلی که در فضای مجازی درست کرده بودند هم هیچ خبری نشد.

بنده برای اینکه عزیزانمان قدری بیشتر توجه داشته باشند، چند دقیقه در رابطه با ادعاهای باطل ایشان و آنچه به کفر و ارتداد ایشان مرتبط هست مطالبی را خدمت عزیزان از کتب ایشان نشان می‌دهم و قضاوت را هم به عهده شما بینندگان می‌گذارم.

گرچه الحمدلله بعد از اینکه برای نامه ما جوابی نیامد، بعضی از اتباع ایشان توبه کردند و برگشتند. اگر یک نفر هم برگردد، به تعبیر رسول گرامی اسلام که به امیرالمؤمنین فرمودند: اگر یک نفر به دست تو هدایت شود، بهتر از تمام ثروت روی زمین هست!

ما در چند محور بحث کردیم، اما الآن فرصت توضیح کامل آنها نیست. ادعاهای باطل «احمد الحسن»، ادله پوشالی او، اهانت به مقدسات، اهانت به مراجع عظام تقلید، تکفیر مسلمانان و اعترافات سخیف. ما این شش مورد را از آثار ایشان درآوردیم.

### برخی از ادعاهای باطل «احمد اسماعیل» مدعی دروغین یمانی!

بنده نسبت به ادعای باطل ایشان مطالبی بیان می‌کنم. ایشان مدعی است که من امام هستم. عزیزان ملاحظه کنید در کتاب «الوصیة المقدسة» اثر «سید احمد الحسن» مطلبی نقل شده است.

#### 1- ادعای امامت برای خود

البته ایشان دروغ می‌گوید و سید هم نیست. دقت کنید طبع اول این کتاب در سال 1433 هجری یعنی نه سال قبل بوده است. او در اینجا به صراحت می‌گوید:



«إنه امام من آل محمد»

او امامی از آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين) است.

ترجمه فارسی این کتاب در سایت ایشان منتشر شده است. در ترجمه این کتاب آمده است: "او امامی از آل محمد و دوازدهمین فرزند رسول الله و علی است."

جالب اینجاست که ایشان در یک جا می‌گویند: "مراد از قائم در روایات من هستم." او در یک جا می‌گوید: "من وزیر امام مهدی هستم"، اما در جای دیگر می‌گویند: "«احمد» خلیفه خدا هست!" حال در کتاب «کافی» آمده است که امام صادق می‌فرماید:

«مَنْ ادَّعى الإِمَامَةَ وَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا فَهُوَ كَافِرٌ»

هرکسی ادعای امامت کند، اما اهل امامت نباشد کافر است.

الكافي (ط- الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات مؤلف: 329 ق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دارالکتب الإسلامية، تهران، 1407 ق، نوبت چاپ: چهارم، ج 1، ص 372، ح 2

امامت شرایی، معجزات و کراماتی دارد و باید رسول گرامی اسلام به صراحت بیان کرده باشند. ما نزدیک به سیصد روایت داریم که رسول گرامی اسلام در رابطه با اینکه خلفا و جانشینان من دوازده نفر هستند، نه کمتر و نه بیشتر مطالبی مطرح فرمودند.

در کتاب «الإعتقادات» اثر «شیخ صدوق» آمده است:

«فمن ادَّعى الإمامة و ليس بإمام فهو ظالم ملعون»

اعتقادات الإمامیه (للسدوق)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: 381 ق، ناشر:

کنگره شیخ مفید، قم، 1414 ق، نوبت چاپ: دوم، ص 103، باب 38

همچنین در کتاب «کفایة الأثر» از قول امام صادق (علیه السلام) آمده است که حضرت می‌فرمایند:

«وَاللَّهُ مَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا حَشَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ»

هرکسی غیر از ما دوازده نفر ادعای نبوت کند، خداوند عالم او را با شیطان و سپاهیانش محشور می‌کند.

کفایة الأثر فی النّصّ علی الأئمة الإثنی عشر، نویسنده: خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح:

حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، ص 247، باب ما جاء عن الباقر محمد بن علی ع ما یوافق هذه الأخبار

و نصه علی ابنه ع

دوستان ادعای ایشان و فرمایشات ائمه اطهار (علیهم السلام) را مشاهده کردند. ما نامه‌ای به مکتب نجف که در رأس آن آقای «ناظم العقیلی» قرار دارد، نوشتیم.

ایشان در کتابی به نام «اربعون حدیثاً فی المهدیین و ذریة القائم» مطلبی آورده است. طبق ادعایی که دارند «احمد بصری» گفته است که ایشان قائم مقام من هست و سخن ایشان سخن من هست. ایشان در کتاب خود صفحه 7 می‌نویسد:

«فلا یوجد دلیل شرعی یحصر الإمامة فی اثنی عشر إماماً»

ما دلیل شرعی نداریم که ائمه اطهار دوازده نفر هستند.

عرض کردم که ما حدود سیصد روایت از کتب شیعه و سنی به دست آوردیم که رسول اکرم فرمودند: خلفای من دوازده نفر هستند. اولین آنان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و آخرین آنها حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است.

همچنین عزیزان دقت کنند در کتاب «اثبات الهدی» جلد دوم با سند صددرصد صحیح روایتی آمده است. «فضالة بن أيوب» ثقة هست، «أبان بن عثمان» ثقة و از اصحاب اجماع است، «محمد بن مسلم» هم شخصیتی شناخته شده و متوفای 150 هجری است.

در این روایت آمده است که پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمودند: یا علی! ولایت من بر مؤمنین از خودشان بیشتر است. بعد از تو امام حسن و امام حسین هستند؛

### «ثم الحجة بن الحسن الذي تنتهي إليه الخلافة و الوصاية»

سپس حجة بن الحسن که خلافت و وصایت با او پایان می‌پذیرد.

إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات؛ نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تاریخ وفات مؤلف:

1104 ق، ناشر: اعلی، بیروت، 1425 ق، نوبت چاپ: اول؛ ج 2، ص 234، ح 812

حال «ناظم العقیلى» می‌گوید:

«فلا يوجد دليل شرعى يحصر الإمامة فى اثنى عشر إماما»

ما دلیل شرعی نداریم که ائمه اطهار دوازده نفر هستند.

تکلیف ما چیست؟! ایشان با این وضع نمی‌تواند برای مناظره بیاید. نکته دیگری که در رابطه با «احمد بصری» و دلیل بر کفر و ارتداد ایشان هست.

2- نسبت جهالت به حضرت ابراهیم (علیه السلام)

مطلبی است که بنده تنها قسمت فارسی آن را خدمت عزیزان نشان می‌دهم. در کتاب «المتشابهات» جلد اول اثر «سید احمد الحسن» در خصوص حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) آمده است:

"وقتی ملکوت آسمان بر او کشف شد، نور حضرت قائم را دید و گفت این پروردگار من است و زمانی که نور حضرت امام علی را دید گفت این پروردگار من است و زمانی که نور حضرت محمد را دید گفت این پروردگار من است. حضرت ابراهیم نتوانست تمییز دهد که آنها مخلوق هستند تا زمانی که از حقیقت آنها برای او کشف شد."

به گفته او حضرت ابراهیم نتوانست تشخیص دهد که نور رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین خالق اوست یا خالقش خداوند است. او تا این اندازه حضرت ابراهیم را پایین می‌آورد.

این در حالی است که قرآن کریم در رابطه با حضرت ابراهیم خطاب به رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

**(وَ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)**

و پیرو آئین خالص و پاک ابراهیم گردد.

**سوره نساء (4): آیه 125**

قرآن کریم به رسول گرامی اسلام می‌فرماید که از ملت و آئین و شریعت اسلامی تبعیت کن. خداوند متعال همچنین به امت اسلامی هم می‌فرماید:

**(فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)**

بنا بر این از آئین ابراهیم پیروی کنید.

**سوره آل عمران (3): آیه 95**

قرآن کریم اینطور می‌فرماید و آقای «احمد بصری» اینطور می‌گوید.

### 3- اعتقاد به جهنمی بودن حضرت یونس (علیه السلام)

ایشان بازهم در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم نسبت به حضرت یونس می‌نویسد:

"ولی من حقیقت را آشکار می‌کنم که جسد او در بیابان عربان و بی سرپناه افتاد و روحش در طبقات جهنم تا روز برانگیخته شدن باقی ماند."

ایشان ادعا می‌کند که روح حضرت یونس نستجیر بالله در آتش جهنم است. این در حالی است که قرآن کریم در سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید:

**وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ**

و ذا النون (یونس) را (به یاد آور)، در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت، و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمت‌ها (ی متراکم) فریاد زد خداوندا! جز تو معبودی نیست، منزهی تو، من از ستمکاران بودم.

**(فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)**

ما دعای او را به اجابت رساندیم، و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم، و همین گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

**سوره انبیاء (21): آیات 87 و 88**

قرآن کریم می‌فرماید همانطور که حضرت ابراهیم را از غم و غصه نجات دادیم، اگر مسلمانان و مؤمنین همانند حضرت یونس استغفار کنند و اظهار عجز کنند نجات خواهیم داد. همچنین در سوره مبارکه صافات آمده است:

**(فَتَبَدَّنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ سَقِيمٌ)**

(به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود.

**(وَ أَتْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَفْطِينٍ)**

و کدوبنی بر او رویاندیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد).

**(وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)**

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری، یا بیشتر، فرستادیم.

**(فَأَمَّنُوا فَمَرَّغْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ)**

آن‌ها ایمان آوردند و تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره‌مند ساختیم.

**سوره صافات (37): آیات 145 تا 148**

«احمد بصری» ادعا می‌کند نستجیر بالله حضرت یونس اهل جهنم هست و از شکم ماهی به جهنم رفت، اما قرآن کریم می‌فرماید که حضرت یونس را از شکم ماهی به طرف قومش فرستادیم که صد هزار نفر یا بیشتر بودند.

آیا این انکار آیه قرآن نیست؟! آیا انکار آیه قرآن کفر نیست؟! آیا نسبت اینکه یک پیغمبر از پیامبران الهی اهل جهنم هست، کفر نیست؟! اگر این کفر نیست، معنای کفر چیست؟!

**4- انکار خاتمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ادعای نبوت خویش!**

ایشان در کتاب «النبوة الخاتمة» می‌نویسد:

«انتهاء النبوة و توقفها أمر غير صحيح»

اگر کسی بگوید نبوت با رسول اکرم خاتمه پیدا کرده و متوقف شده است، کاری غیر صحیح است.

ایشان در ترجمه فارسی این کتاب همین عبارت را مطرح می‌کند. ایشان بازهم در کتاب «المتشابهات» می‌نویسد: "برای من هم مقام رسالت هست و هم مقام ولایت."

در اینجا دو مسئله مطرح می‌شود؛ مسئله اول انکار ختم نبوت است و مسئله دوم ادعای نبوت برای خودش هست. حال می‌خواهیم ببینیم قرآن کریم و اهل بیت چه فرمایشی دارند. قرآن کریم در سوره مبارکه احزاب آیه 40 می‌فرماید:

**(ما كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ)**

محمد پدر هیچیک از مردان شما نبود، ولی رسول خدا و خاتم و آخرین پیامبران است.

سوره احزاب (33): آیه 40

طبق این آیه شریفه پیغمبر اکرم پایان بخش پیامبران است. آیا از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کنیم؟! ایشان از طرف دیگر می‌گویند که برای من مقام نبوت مطرح است. در کتاب «رجال کشی» حدیث 540 آمده است که امام صادق می‌فرماید:

**«مَنْ قَالَ إِنَّا أَنْبِيَاءُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، وَ مَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»**

هرکسی ادعای نبوت کند لعنت خدا بر او باد و هرکسی در این شک کند لعنت خدا بر او باد.

رجال الکشی- إختيار معرفة الرجال؛ نویسنده: کشی، محمد بن عمر، تاریخ وفات مؤلف: نیمه اول قرن 4 ق، محقق / مصحح: طوسی، محمد بن حسن / مصطفوی، حسن، ناشر: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد،

1409 ق، نوبت چاپ: اول، ص 301، ح 540

همچنین در کتاب «عیون أخبار الرضا» روایتی از قول امام هشتم (علیه السلام) آمده است که می‌فرماید: هرکسی ادعای نبوت کند یا برای ائمه اطهار ادعای ربوبیت کند، ما از او در دنیا و آخرت بیزار هستیم. ایشان نسبت به انبیاء الهی چنین عباراتی بیان کرده است.

### 5- اهانت وقیحانه به ساحت مقدس امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

او همچنین در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم نسبت به امیرالمؤمنین نستجیر بالله می‌نویسد: در وجود امیرالمؤمنین شرکی بود که اگر آن شرک نبود، قطعاً به جای رسول اکرم نشسته بود.

«من جهة الأنا و الظلمة، فلو لم يكن فيه هذا الحال لكان محمد»

آیا کفری از این بالاتر هست؟! او نسبت ظلمت و شرک را در وجود حضرت امیرالمؤمنین مطرح می‌کند و ادعا می‌کند که اگر نبود، حضرت علی به جای پیغمبر اکرم نشسته بود!!

این بدان معناست که خداوند متعال متوجه نشد، رسول گرامی اسلام متوجه نشد و امیرالمؤمنین متوجه نشده است تا اینکه این آقا بعد از هزار و چهارصد سال کشف و اختراعی فرموده است!!!

او کشف کرده که اگر در وجود امیرالمؤمنین ظلمت نبود، او به جای حضرت محمد نشسته بود!! او همچنین نسبت به آیه شریفه:

(وَ الْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

به عصر سوگند، که انسان‌ها همه در زیان‌اند.

سوره عصر (103): آیات 1 و 2

ادعا می‌کند که مراد از (الْإِنْسَانَ) علی بن ابی طالب است. حال آنکه ما روایات متعدد داریم که مراد از (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) دشمنان آل محمد هستند. بازهم در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم آمده است:



"هرگز شرکی از جنس غرور و منیت برای ایشان به خاطر این گشایش باقی نمی‌ماند. یعنی وجودش از منیت و غرور پاک گردد."

ملاحظه کنید او نسبت به آیه شریفه (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) می‌نویسد: «امیرالمؤمنین علی فهو الإنسان و هو فی خسر نسبة إلی محمد». این در حالی است که در کتاب «کمال الدین» روایتی از قول امام صادق نقل شده است که می‌فرماید:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَغْنِي أَعْدَاءَنَا»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 656، ح 1

آیا اینها دلیل بر کفر و ارتداد نیست؟! او نسبت به امام حسین ادعا می‌کند که نستجیر بالله در وجود حضرت شرک است. او همچنین نسبت به حضرت مهدی (ارواحنا فداه) همین مطالب را دارد.

#### 6- اهانت به علمای شیعه، سنی و مسیحی!

او از طرف دیگر در کتاب «در محضر عبد صالح» می‌نویسد:

"نوشته‌ها و گفته‌های فقهای شیعه و سنی و مسیحی که من بر آنها وقوف یافته‌ام، در واقع نوشته‌ها و گفته‌هایی بی مایه است که فقط به درد بازار گرمی خودشان می‌خورد و فقط به کار فریفتن برخی پیروان خرفت و تخدیر شده آنها که به جهل راضی‌اند می‌آید، نه بیشتر."

اگر واقعاً خدای ناکرده کتاب‌ها و مطالب علما به درد یک مشت خرفت می‌خورد، شما که برای وصایت خودت به همین کتاب‌های علمای شیعه استدلال می‌کنید!!

او همچنین به مراجع عظام تقلید اهانت کرده و ادعا می‌کند مراجع شهوتران و به دنبال دنیا هستند. او همچنین نسبت به آیت الله العظمی سیستانی ادعا می‌کند که تبعیت از برنامه‌های آیت الله العظمی سیستانی تبعیت از شیطان است!!

ایشان نسبت به مراجع یک تعبیر زشت و وقیحی دارد که واقعاً زبان انسان از گفتن آن عاجز است و انسان خجالت می‌کشد آنها را مطرح کند.

ما خواستیم این مطالب را عرض کنیم تا آقایان به حرف‌های ما جواب بدهند. این گوی و این میدان. آیا واقعاً این شخص حاضر است به این مطالب پاسخ بدهد؟! همچنین اگر حاضر نیست، آقای «ناظم العقیلی» از مکتب نجف پاسخ بدهد.

علی‌رغم اینکه فرصت تمام شده بود، ما حرف‌های ایشان را همانطور که در این جلسه بیان کردیم در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» و فضای مجازی منتشر می‌کنیم. ما امانتداری هم می‌کنیم و مطالب آنها را بدون کم و کاست در اختیار مردم قرار می‌دهیم.

مردم حرف‌های ما را ببینند و پاسخ آقایان را هم بشنوند، سپس قضاوت به عهده خودشان خواهد بود. بنده از خداوند عالم می‌خواهم عزیزان و فرزندان ما که فریب این شخص را خورده‌اند، قدری تدبیر و تعقل کنند. این شخص با این پرونده‌های سیاه باعث شده یک سری افراد فریب او را بخورند.

عزیزان باید متوجه باشند که این شخص ارتباطی به اهل بیت و حضرت مهدی (ارواحنا فداه) ندارد. این جریان دروغی همانند بهائیت است که استعمار آن را درست کرده تا میان امت اسلامی و شیعیان اختلاف ایجاد کند.

**مجری:**

حاج آقا الحمدلله خیلی زیبا فرمودید و خیلی روشن شد. واقعاً جای تعجب دارد که این فرد با این نوع تفکرات می‌تواند خود را یک شیعه بنامد یا خیر.

زمانی که این صحبت‌ها بیان می‌شود، شاید انسان شک کند و بگوید که او منجی و موعود و امام سیزدهم برای نه تنها شیعیان و مسلمانان و دین داران بلکه برای عده‌ای که بی‌خدا هستند، شده است.

با این نوع تفکرات اصلاً بعید نیست که قضیه به اینجا ختم شود. بنابراین پرونده این افراد که از قبل بسته شده بود، اما با این صحبت‌ها دیگر جرئت صحبت کردن و فرصت مطرح کردن کلامی در فضای مجازی و حقیقی پیدا نمی‌کنند.

قضیه تماماً روشن شد و الحمدلله و المنه توانستیم از محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی در این رابطه بهره مند شویم.

پیشاپیش میلاد حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را خدمت همه شما پیروان و دوستان حقیقی حضرتش تبریک عرض می‌کنم.

ان شاءالله که بتوانیم حقیقتاً در این دنیا پیروشان باشیم و در آخرت هم مشمول شفاعتشان قرار بگیریم. یک میان برنامه ببینیم و برمی‌گردیم در خدمت شما خواهیم بود.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». خیلی خوشحال هستیم که تا این لحظه از برنامه همراه برنامه خودتان برنامه «حبل المتین» بودید و مباحث را پیگیری کردید.

الحمدلله توانستیم از فرمایشات حضرت استاد روشنگری‌های ایشان و مخصوصاً بیاناتی که در رد افرادی که بلند می‌شوند و ادعاهای پوچی مطرح می‌کنند، استفاده کنیم.

حضرت استاد بسیار نکته سنج و زمان سنج برخورد کردند. الحمدلله پاسخ حضرت استاد را شنیدیم و قضیه برای ما روشن شد. ان شاءالله که بتوانیم مروج حقیقی خوبی برای مکتب تشیع باشیم.

اگر در هر جایی این سخنان را شنیدیم که کسی می‌خواست طرفداری کند و کسی می‌خواست در تبلیغ گروه‌های منحرف صحبت کند، ان شاءالله بتوانیم پاسخگوی این شبهات باشیم.

حضرت استاد سؤالات بسیار زیادی فرستاده شده است، هرچند سؤالات اصلی بحث هم بود. پیش از آنکه به سراغ اصل بحث برویم، اما به دلیل اینکه عزیزان خیلی پیش لطف کرده بودند و ما هم اعلام می‌کردیم سؤالات خود را به صورت متنی بفرستید سؤالات را فرستادند.

اگر اجازه بفرمایید یکی دو مورد از این سؤالات را پاسخ بفرمایید، سپس به سراغ تماس‌های شما بینندگان عزیز برویم.

### مراد از ارث بردن امیرالمؤمنین از پیامبر اکرم چیست!؟

حضرت استاد پرسیدند در همین برنامه شما که من تمامش را دیدم، در مانیتور شبکه، یک حدیث با این مضمون پخش می‌شد: یا علی! تنها تو خلیفه و وصی و وارث من هستی. اگر این حدیث درست هست، چرا حضرت فاطمه زهرا ادعای ارث کردند؟! آیا برداشت ما از این حدیث اشتباه است!؟

در این سؤال تنافی بین تنها وارث بودن و ادعای ارث کردن حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مطرح شده است.

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال زیبایی است، اما ما گفتیم همانطور که آیات قرآن کریم را باید کنار هم گذاشت تا نتیجه گرفت در مورد روایت هم همینطور است. به عنوان مثال خداوند متعال در یک جا می‌فرماید:

## (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

خداوند ارواح را به هنگام " مرگ " قبض می‌کند.

سوره زمر (39): آیه 42

آیا این بدان معناست که نستجیر بالله طبق عقیده وهابی‌ها خداوند عالم از آسمان سوار بر الاغ می‌شود و انسان‌ها را قبض روح می‌کند؟! این آیه بدان معناست که خداوند عالم توسط واسطه انسان‌ها را قبض روح می‌کند، همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

## (قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ)

بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده (روح) شما را می‌گیرد.

سوره سجده (32): آیه 11

ملائکه‌ای که وکیل هستند و از طرف خداوند عالم مأموریت دارند، انسان‌ها را قبض روح می‌کنند. وقتی ما آیات الهی را کنار هم می‌گذاریم، معنا روشن می‌شود؛ روایات هم این چنین است. در بعضی از روایات آمده است که امیرالمؤمنین تنها وصی من هست.

البته ما قبلاً این روایت را از کتاب «تاریخ دمشق» جلد 42 برای دوستان آوردیم که هر نبی، وصی و وارثی داشت. به حق علی بن ابی طالب وصی و وارث من است. حدیث از نظر سندی صددرصد صحیح است و هیچ مشکلی هم ندارد.

از طرف دیگر ما می‌بینیم در کتاب «فضائل الصحابة» اثر «احمد بن حنبل» جلد دوم صفحه 638 نقل شده است:

«وأنت أخی و وارثی»

تو برادر و وارث من هستی.

**«قال وما أرث منك يا رسول الله»**

امیرالمؤمنین فرمود: یا رسول الله! من از شما چه چیزی ارث می‌برم؟

**«قال ما ورث الأنبياء قبلي»**

رسول الله فرمود: آنچه پیامبران قبل از من ارث گذاشتند.

**«قال وما ورث الأنبياء قبلك»**

امیرالمؤمنین فرمود: انبیاء قبل از شما چه ارث گذاشتند؟

**«قال كتاب الله وسنة نبيهم»**

پیغمبر اکرم فرمود: کتاب خدا و سنت پیغمبر.

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت

- 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج 2، ص 638، ح 1085

بنابراین وقتی این روایات کنار هم قرار می‌گیرد، قضیه کاملاً روشن می‌شود. همچنین در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد سوم آمده است که امیرالمؤمنین در زمان حیات پیغمبر اکرم می‌فرمودند:

**«والله أنى لأخوه و وليه و بن عمه و وارث علمه فمن أحق به منى»**

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:  
دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج  
3، ص 136، ح 4635

وقتی این روایات کنار هم قرار می‌گیرد، معنای آن مشخص می‌شود. وقتی رسول اکرم به امیرالمؤمنین فرمودند  
که تو تنها وارث من هستی، مراد وارث مادی نیست. به طور کلی با وجود فرزند نوبت به عمو و عموزاده‌ها  
نمی‌رسد.

اگر چنین باشد بعد از حضرت فاطمه زهرا عموها وارث هستند و طبقه دوم به میدان می‌آیند، نه عموزاده‌ها و  
دیگران!

**آیا این ادعای «ابوبکر»، خلاف آیه صریح قرآن نیست!؟**

**مجری:**

بنابراین ماترک فرق می‌کند. گاهی اوقات قرآن و سنت و علم هست و گاهی اوقات مسائل مادی هست.  
متأسفانه و صد متأسفانه که هر دو ارث نبی گرامی اسلام مورد غصب واقع شدند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما بارها گفتیم زمانی که حضرت فاطمه زهرا ادعای ارث کردند، فدک ملک خاص پیغمبر اکرم بود. ما در این  
خصوص حدود چهل مدرک از اهل سنت با سندهای صحیح آوردیم.

پیغمبر اکرم فدک را در زمان حیات خودش به حضرت فاطمه زهرا دادند و خلفا بعد از رحلت پیغمبر اکرم فدک  
را غصب کردند.

حضرت صدیقه طاهره فرمودند که فدک ملک من است. خلفا به حضرت عرضه داشتند که آیا شما شاهدی هم دارید؟ امیرالمؤمنین و «أم ایمن» و امام حسن و امام حسین شهادت دادند، اما خلفا این شهادت را نپذیرفتند. حضرت فاطمه زهرا فرمودند: اگر فدک ملک من نیست و پیغمبر اکرم آن را به من نبخشیدند، آیا ملک رسول الله بود یا خیر؟! خلفا گفتند: بله. حضرت فاطمه زهرا فرمود: اگر فدک ملک پیغمبر اکرم بود، تنها وارث پیغمبر اکرم من هستم.

خلفا گفتند: پیغمبران از خود ارث به جای نمی‌گذارند. حضرت فاطمه زهرا در مسجد به قرآن استدلال کرد و فرمود:

**(وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ)**

و سلیمان وارث داود شد.

**سوره نمل (27): آیه 16**

حضرت زکریا هم خطاب به خداوند متعال فرمود:

**(فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ)**

تو به قدرتت جانیشینی به من ببخش که وارث من و آل یعقوب باشد.

**سوره مریم (19): آیات 5 و 6**

آیا شما به قرآن کریم آگاه‌تر هستید یا ما آگاه‌تر هستیم؟! بر فرض اگر قرار بود پیغمبر اکرم بفرمایند که انبیاء ارث نمی‌برند، این قضیه را باید ابتدا به حضرت فاطمه زهرا و همسرانشان می‌فرمودند.



عایشه و حفصه و دیگر أمهات المؤمنین آمدند و ادعای ارث کردند. چطور شد که از میان صد و بیست و چهار هزار صحابی تنها ابوبکر این روایت را شنید و غیر از ایشان احدی این روایت را نشنید؟! آیا این قضیه عقلاً صحیح است یا خیر؟! من در خدمت شما هستم.

**مجری:**

الحمد لله خیلی زیبا در روشننگری و تبیین این تنافی که به ذهن این بیننده رسیده بود، مطالبی مطرح فرمودید.

**آیا این منطق وارد شده در منابع اهل سنت، عقلاً قابل پذیرش است؟!**

عزیز دیگری سؤال پرسیدند آیا در صحاح سته یا جای دیگر روایتی هست که پیغمبر اکرم به صحابه یا حضرت علی فرموده باشند بعد از من خلفایی می‌آیند که به سنت عمل نمی‌کنند یا خیر؟!

آیا حضرت توصیه کردند که اگر مال شما را برداشتند، ساکت بمانید و برای بازپس گیری اموال خود تلاش نکنید؟! کلیت سؤال این بیننده بسیار زیاد بیان شده است، اما مثل اینکه دنبال یک روایت خاص هستند.

**پاسخ:**

در کتاب «صحیح مسلم» روایتی آمده است که می‌فرماید:

**«يَكُونُ بَعْدِي أُمَّةٌ لَا يَهْتَدُونَ بِهَدَايِ وَلَا يَسْتَتُونَ بِسُنَّتِي»**

بعد از من امامان و پیشوایانی می‌آیند که از هدایت من بهره نبرده‌اند و از سنت من بی‌خبر هستند.

**«وَسَيَقُومُ فِيهِمْ رِجَالٌ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ فِي جُثْمَانِ إِنْسٍ»**

در میان آنها افرادی هستند که قلبشان قلب شیطانی و چهره‌هایشان چهره انسانی است.

**«قَالَ قُلْتُ كَيْفَ أَصْنَعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ»**

حذیفه می‌گوید: یا رسول الله! اگر این زمان را درک کردم چکار کنم؟

لازم به ذکر است که «حذیفه» در اواخر خلافت عثمان و اوایل خلافت امیرالمؤمنین از دنیا رفت.

«قَالَ تَسْمَعُ وَتُطِيعُ لِلْأَمِيرِ وَإِنْ ضُرِبَ ظَهْرُكَ وَأُخِذَ مَالُكَ»

پیغمبر اکرم فرمود: از حاکم حرف شنوی داشته باش و اطاعت کن اگر چه تو را بخوابانند و پشتت را با شلاق نوازش دهند و مال تو را هم به زور بگیرند.

«فَاسْمَعُ وَأَطِعُ»

وظیفه تو حرف شنوی و اطاعت کردن است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1476، ح 1847

مجری:

این دقیقاً همان روایتی است که این بینده دنبال آن بود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده واقعاً نمی‌دانم این روایات از رسول گرامی اسلام صادر شده است یا در کارخانه‌های حدیث سازی بنی امیه

و بنی عباس وضع شده و در اختیار مردم قرار گرفته و سر از «صحیح مسلم» درآورده است.

همچنین در کتاب «السنة» اثر «خلال» روایتی از قول «سويد بن غفلة» نقل شده است که می‌گوید به عمر بن

خطاب گفتم:

«يا أبا أمية إني لا أدري لعلي لا ألقاك بعد عامي هذا»

ای ابا امیه! شاید من بعد از امسال دیگر تو را درک نکنم. چکار کنم؟

«فإن أمر عليك عبد حبشي مجدع فاسمع له وأطع»

اگر یک بنده حبشی کریه المنظر امیر شما شد، از او اطاعت کن و حرف شنوی داشته باش.

«وإن ضربك فاصبر وإن حرمك فاصبر»

اگر تو را مورد ضرب و شتم قرار داد صبر کن، اگر تو را از حق مسلمت محروم کرد صبر کن.

«وإن أراد أمرا ينقص دينك فقل سمعا وطاعة دمی دون دینی»

اگر امری از تو خواست که دین تو را ناقص می‌کند، بگو: اطاعت می‌کنم، جانم فدای دینم باد!

«ولا تفارق الجماعة إسناده هذا الأثر عن عمر رضی الله عن صحیح»

السنة، اسم المؤلف: أبو بكر أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد الخلال، دار النشر: دار الراية - الرياض -

1410 هـ - 1989 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عطية الزهراني، ج 1، ص 111، ح 54

اگر محقق در مورد سند روایت نگفته بود «إسناده هذا الأثر عن عمر رضی الله عن صحیح»، من این روایت را نقل نمی‌کردم.

دوستان عزیز، برادران بزرگوار، جوانان عزیز اهل سنت! اگر حاکم اسلامی به ما دستور ضد دینی داد، باید اطاعت کنیم؟! اگر حاکم دستور داد نماز نخوانیم، دزدی کنیم، آدم بکشیم یا مرتکب زنا شویم، باید به دستور او عمل کنیم!؟

اموری که دین انسان را ناقص می‌کند، همین امور است و چیز دیگری نیست. در روایت آمده است که در برابر دستور ضد دینی حاکم بگویید: «سمعا وطاعة دمی دون دینی»!!

امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید تمام جان و زندگی من فدای دین من هست و فرمودند:

«وَأِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بُزْمًا»

مرگ و شهادت در برابر استبداد سعادت و زندگی در زیر بار ظلم ننگ است.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 3، ص 114، ح

2842

و امیرالمؤمنین هم می‌فرماید:

«وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَضَمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»

در برابر ظالم خروش کنید و در کنار مظلوم باشید و از او دستگیری کنید.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 421، ح

47

این مکتب شیعه است و این هم چیزی است که آقایان آورده‌اند. بنده بازهم عرض کردم که بر این باور هستم

این روایات اسرائیلیاتی است که بنی امیه و بنی عباس آنها را جعل کردند تا چهره اسلام را مخدوش کنند.

وقتی آقایان می‌خواهند آیات شیطانی بنویسند، به همین روایات استدلال می‌کنند و چیز دیگری نیست. من

در خدمت شما هستم.

مجری:

خیلی ممنونم. همچنین تشکر می‌کنیم از این بیننده عزیز که همین الان این سؤال را فرستادند و قطعاً پاسخشان را با همان کیفیتی که می‌خواستند دریافت کردند.

حضرت استاد بینندگان راجع به قولی که داده بودید از شما درخواست کردند و گفتند: شما مطرح فرمودید که وهابیت و سلفی‌ها بسیار بر شیعیان خرده می‌گیرند.

آن‌ها می‌گویند این بحث ساختگی که شیعیان راجع به اختلاف میان صحابه و امیرالمؤمنین ایجاد کردند، تماماً کار علمای شیعه بوده است؛ والا در اصل چنین چیزی وجود نداشت.

حضرتعالی صرفاً از باب یادآوری اشاره فرمودید تا بینندگان هم در جریان باشند و مفصلاً از قول تمامی علمای اهل سنت اعم از علمای معاصر و چه علمای قدیم همانند «ابن تیمیه» مطالبی آوردید که بیان می‌کردند اختلاف صحابه با امیرالمؤمنین چطور بوده است.

بسیاری از آنها این اختلاف را داشتند. حال چیزی که مدنظر این بیننده هست، این است که شما قول دادید بفرمایید نظر امیرالمؤمنین نسبت به صحابه چه بوده است و ایشان نظر اهل بیت را جویا شدند.

**تقسیم بندی چهارگانه صحابه از منظر امیرالمؤمنین (صلی الله علیه و آله)**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در رابطه با نظر امیرالمؤمنین در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 63 روایتی از قول امیرالمؤمنین آمده است.

حضرت، اصحاب پیغمبر اکرم را به چهار دسته تقسیم می‌کند و می‌فرماید طبق حدیثی که بر شما از صحابه آمده است آنها چهار دسته هستند و پنجمین دسته‌ای در کار نیست.

بعضی افراد هستند که منافق بودند. آن‌ها به دروغ ادعای ایمان می‌کردند و باکی هم نداشتند که دروغ بگویند یا به پیغمبر اکرم دروغ ببندند. اگر مردم می‌دانستند که آنها منافق کذاب هستند، روایتی از او قبول نمی‌کردند.

در مقابل، مردم می‌گفتند که او صحابی پیغمبر اکرم است، رسول الله را دیده و از آن بزرگوار حرف شنیده و روایت گرفته است. قرآن کریم هم در رابطه با منافقین می‌فرماید:

**وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ**

هنگامی که آنها را می‌بینی جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد، و اگر سخن بگویند به سخنانشان گوش فرا می‌دهی.

**سوره منافقون (63): آیه 4**

آنها به پیشوایان ضلالت و دعوتگران به آتش متصل شدند. دسته دوم افرادی هستند که امیرالمؤمنین در مورد آنها می‌فرماید:

**«وَ رَجُلٍ سَمِعَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ شَيْئاً لَمْ يَحْمِلْهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ وَهَمَ فِيهِ»**

افرادی که مطالبی از پیغمبر اکرم شنیده‌اند، اما کنه روایت را نفهمیدند و پیام روایت را درک نکردند و دچار توهم شدند.

**«وَ لَمْ يَتَعَمَّدْ كَذِباً»**

این افراد دروغ نگفتند.

آنها می‌گویند که ما این مطالب را از پیغمبر اکرم شنیدیم و مطالبی مطرح می‌کنند. اگر مسلمانان می‌دانستند که این افراد دچار توهم شده و آنچه در ذهنش هست را از پیغمبر اکرم نقل می‌کند، از او قبول نمی‌کردند.

**«وَ رَجُلٍ تَأْتِيهِ سَمْعٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص شَيْئاً أَمَرَ بِهِ ثُمَّ نَهَى عَنْهُ»**

دسته سوم افرادی هستند که از پیغمبر اکرم امی را شنیده‌اند، اما پیغمبر اکرم بعد از شنیدن آنها این مطلب را نهی کرده است.

همانطور که قرآن کریم ناسخ و منسوخ دارد، حدیث هم ناسخ و منسوخ دارد. به دلیل اینکه این افراد ناسخ را نشنیدند، منسوخ را برای مردم بیان می‌کنند. اگر مردم می‌دانستند این شخص ناسخ را آورده و از منسوخ خبری نیست، از او قبول نمی‌کردند.

«وَأَخْرَجَ رَابِعٌ لَمْ يَكْذِبْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص مُبْغِضٌ لِلْكَذِبِ حَوْفًا مِنَ اللَّهِ وَ تَعْظِيمًا لِرَسُولِ اللَّهِ ص لَمْ يَنْسَهُ بَلْ حَفِظَ مَا سَمِعَ عَلَى وَجْهِهِ فَجَاءَ بِهِ كَمَا سَمِعَ- لَمْ يَزِدْ فِيهِ وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ»

دسته چهارم افرادی هستند که بر پیغمبر اکرم دروغ نبستند. آن‌ها دشمن دروغ بودند و ترس از خدا داشتند، پیغمبر اکرم را تعظیم می‌کردند و سخنان حضرت را فراموش نکردند. آن‌ها مطالب را همانگونه که پیغمبر اکرم فرمود بیان می‌کنند، نه بر توهمات ذهنی.

«وَعَلِمَ النَّاسِخَ مِنَ الْمُنْسُوخِ فَعَمِلَ بِالنَّاسِخِ وَ رَفَضَ الْمُنْسُوخِ»

این افراد ناسخ را از منسوخ تشخیص می‌دهند، به ناسخ عمل می‌کنند و منسوخ را کنار می‌گذارند.

«فَإِنَّ أَمْرَ النَّبِيِّ ص مِثْلُ الْقُرْآنِ نَاسِخٌ وَ مَنْسُوخٌ وَ خَاصٌّ وَ عَامٌّ وَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ»

این افراد به امر پیغمبر اکرم ناسخ را از منسوخ تشخیص می‌دهند، خاص و عام را تشخیص می‌دهند، محکم و متشابه را تشخیص می‌دهند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

این افراد هم دسته دیگری هستند که روایاتشان مورد قبول است. امیرالمؤمنین نمی‌آید به صورت کلی بیان کند که همه صحابه بد هستند یا همه صحابه خوب هستند، بلکه به صورت منطقی صحابه را دسته بندی می‌کنند تا ذهن و عقل و فطرت، آن را قبول کند.

«مرحوم محمد تقی مجلسی» هم در کتاب «روضه المتقین» جلد دوازدهم صفحه 201 می‌نویسد:

«و روی الكلینی، و المصنف فی الحسن كالصحيح»

کلینی این روایت را نقل کرده و مورد تأیید و معتبر است.

روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، نویسنده: مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، ج 12، ص 201، باب النوادر و هو آخر أبواب الكتاب

این قضایا نشانگر این است که نگاه امیرالمؤمنین به صحابه نگاه واقع گراست، نه توهم گرا.

یکی از آقایان وهابی در کلیپی گفته بود: صحابه اگر زنا هم مرتکب شوند عادل هستند، آدم هم بکشند عادل هستند، لواط هم کنند عادل هستند!!

صحابه هرکاری کنند عادل و اهل بهشت هستند. بنده نمی‌دانم صحابه از پیغمبران هم بالاتر هستند یا خیر؟! این در حالی است که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ لَتَسْتَلْنَ الْمُرْسَلِينَ)

و از پیامبران (نیز) سؤال می‌کنیم.

سوره اعراف (7): آیه 6



این در حالی است که آقایان صحابه را به صورت مطلق از پیغمبر اکرم هم بالاتر دانسته‌اند. آیا این انصاف است؟!

**(وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ)**

هر گاه او سخنی دروغ بر ما می‌بست، ما او را با قدرت می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم!

**سوره الحاقه (69): آیات 44 تا 46**

آیا صحابه از پیغمبر اکرم بالاتر هستند؟! آیا صحابه قبل از اینکه هر گناهی مرتکب شوند، خداوند عالم آنها را بخشیده است؟! آیا این ادعا با عقل و فطرت و منطق قرآن کریم جور درمی‌آید؟!

برادران عزیز و سروران گرامی! قدری فکر کنیم و حرفی بزنیم که حتی اهل و عیال ما به ریش ما نخندند و مسخره دشمنان اسلام قرار نگیریم. نباید بهانه‌ای به دست دشمنان قرار بدهیم تا حرف‌های ما را بگیرند و به اسلام بخندند. بنده در خدمت شما هستم.

**مجری:**

حضرتعالی خیلی زیبا جمله کلیدی فرمودید که حضرت نگاه واقع‌گرایانه داشتند، نه نگاه توهم‌گرا. مطالب بسیار زیبا بود و تماماً نظر امیرالمؤمنین و نظری که ما به عنوان شیعه و پیرو اهلبیت باید آن را اتخاذ کنیم، مشاهده کردیم.

خیلی سریع یک میان‌برنامه ببینیم و برگردیم در خدمت شما باشیم و تماس‌های شما عزیزان را بشنویم.

انصاف کو مروت و مردانگی کجاست

آیا لباس کعبه بر اندام بت رواست؟

خیلی زیبا بود این میان برنامه‌ای که با هم دیدیم. بسیار خوب به سراغ تماس‌های شما عزیزان برویم.

### تماس بینندگان برنامه:

آقای علی زاده پشت خط هستند. آقای علی زاده در خدمت شما هستیم و صدایتان را می‌شنویم، بفرمایید:

**بیننده (آقا علی زاده از کرج - شیعه):**

سلام علیکم خدمت حاج آقای قزوینی و آقای مرعشی عزیز.

**مجری:**

علیکم السلام و رحمة الله، در خدمت شما هستیم.

**بیننده:**

آقای مرعشی من یک گلایه کوچکی از خدمت شما داشتم. بیندگانی که خود را شیعه معرفی می‌کنند، یک سری مسائل واهی از خودشان درمی‌آورند و بدون استدلال و دلیل بیان می‌کنند.

بنده زک بگویم منظورم آقا سعید است. شما ده یا بیست دقیقه به ایشان وقت می‌دهید تا بدون دلیل بهشتی بودن کسی را از قرآن کریم اثبات کند. همچنین بدون دلیل ادعا می‌کند که فلان شخص اینقدر از ثروت خود را در راه اسلام خرج کرده است.

بنده می‌خواستم مدنظر قرار بدهید که وقتی کسی بدون مطالعه یک سری مسائلی را مطرح می‌کند، حداقل وقت دیگران را هم در نظر بگیرید.

بنده مطلبی هم خطاب به آقا سعید داشتم. شما که می‌خواهید بهشتی بودن یک شخص را از قرآن کریم ثابت کنید، کتاب «تاریخ یعقوبی» جلد 2 صفحه 131 را بخوانید.

ابتدا متوجه شوید این شخص در رابطه با یک قاتل و زناکار چه برخوردی داشته است، سپس ادعا کنید که فلان شخص اهل بهشت است. خیلی ممنونم، از برنامه خوبتان تشکر می‌کنم.

**مجری:**

سلامت باشید، از تماس شما تشکر می‌کنیم جناب آقای علی زاده عزیز که با برنامه خودتان همراه بودید.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

همین اندازه هم وهابی‌ها یا اهل سنت ادعا می‌کنند که شما شیعیان نسبت به خلفا بد و بیراه می‌گویید. حال یک شیعه هم پیدا شده است که می‌گوید ابوبکر اهل بهشت است!!

وهابی‌ها نباید همه شیعیان را به یک چشم نگاه کنند. معلوم می‌شود ما در میان شیعیان هم افرادی داریم که چنین عقایدی دارند. آقای علی زاده عزیز این به نفع ماست!

**مجری:**

ایشان با این بیان در تیم ما قرار می‌گیرند. در خصوص توصیه اول شما باید بگویم که در ورای فرصت دادن به چنین افرادی حکمت‌هایی قرار دارد.

ما نه تنها به ایشان بلکه به تمامی مخالفین فرصت بیشتری می‌دهیم و این حقیقتی هست که قابل پوشاندن نیست و برای همگان تا الآن مشخص شده است.

ورای این مطلبی که شما عزیزان مشاهده می‌کنید که به مخالفین فرصت بیشتری داده می‌شود، حکمت‌هایی قرار دارد که طبیعتاً اگر خودتان هم برنامه را مشاهده کرده باشید به آن پی می‌برید.

گاهی اوقات یک نفر تماس می‌گیرد و می‌خواهد با یک بیان علمی مطلبی را بیان کند، اما نمی‌تواند اثبات کند و بینندگان می‌بینند بر ادعای خود هیچ دلیلی نمی‌تواند اقامه کند بلکه در مقابل دلایل بسیار زیادی برخلاف چیزی که ادعا می‌کند وجود دارد.

در نتیجه همین صحنه گفتگو محل مناسبی برای قضاوت بینندگان عزیز می‌شود. کسانی که شیعه هستند قابلیت این را پیدا می‌کنند که پاسخگویی را بهتر انجام دهند و کسانی هم که مخالف هستند وقتی خودشان چنین عقیده‌ای داشتند، پاسخ را می‌گیرند.

جناب آقای بهادری عزیز فاضل ارجمند پشت خط هستند. آقای بهادری در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

**بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):**

سلام علیکم و رحمة الله خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و جناب آقای مرعشی سید بزرگوار.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

سلام علیکم و رحمة الله.

**مجری:**

علیکم السلام و رحمة الله.

**نکته سنجی زیبای یک بیننده از واقعیت های تاریخی صدر اسلام!**

**بیننده:**

حضرت استاد رسول گرامی اسلام بارها فرمودند که جامعه بدون امام نمی‌شود. جامعه بدون رهبر الهی اداره نمی‌شود. عترت مرا دوست بدارید، از آنها اطاعت کنید و از آنها جلو نیفتید که مارق می‌شوید و از آنها عقب نیفتید که زاهق می‌شوید.

در مقابل خلفای محترم گوش ندادند، در جای عترت نشستند و امامت کردند. زمانی که نوبت به عثمان رسید، در عصر او قضاوت ظلم کردند و کار را خراب کردند.

در زمان او فساد اداری همه جا را گرفت و بیت المال به جای قرار گرفتن در دست مردم محروم در حلقوم گردن کلفتان رفت.

آقای عثمان از «عبدالله بن عمر» خواست که قضاوتی را به عهده بگیرد. «عبدالله بن عمر» قبول نکرد و گفت: من نه قضاوت می‌کنم و نه امامت می‌کنم. عثمان گفت: چرا قضاوت نمی‌کنی؟! پدرت که قضاوت می‌کرد.

«عبدالله بن عمر» گفت: پدرم به این دلیل قضاوت کرد که در کنارش رسول خدا وجود داشت به طوری که هرچه نمی‌دانست از پیغمبر اکرم می‌پرسید. من از چه کسی بپرسم؟!

کفگیر به ته دیگ خورده است و تمام اسرار فاش شده است!! معلوم شد که اگر علی بن ابی طالب نباشد و اگر امام آسمانی نباشد و اگر علی مرجع و رهبر نباشد، کار در همان دهه‌های اول اسلام با بن بست مواجه می‌شود.

«عبدالله بن عمر» گفت: اگر حکم خدا را ندانستم از چه کسی بپرسم؟! این همان سّری بود که رسول گرامی اسلام در طول مدت بیست و سه سال رسالت خود همواره گوشزد می‌فرمودند که اگر اهل بیت را خانه نشین کنید، می‌مانید.

«عبدالله بن عمر» از همه درمانده‌تر شده بود و خلأ ناشی از در صحنه نبودن علی بن ابی طالب را احساس کرد.

او مشکل ناشی از سیاست پدر را بیش از همه احساس کرد و گفت: سرانجام پناه همه ما رسول خدا بود، اما من او را ندارم که به او پناه ببرم و او به جبرئیل و او به خداوند متعال پناه ببرد. اگر مرا به قضاوت نصب کنی، من راضی نیستم.

عثمان گفت: عذرت را پذیرفتم، اما این مشکل و این بن بست به وجود آمده و این بدبختی ناشی از نبودن علم الهی و امام الهی در صحنه را که پایه گذار آن پدرت بود به کسی نگو!!

این مطلب در کتاب «الدر المنثور» جلد 2 صفحه 287 نقل شده است. جناب استاد بنده متذکر شوم که جناب خلیفه بعد از رسول گرامی اسلام در مرحله اول اهل بیت را خانه نشین کرد و در مرحله دوم تمام احادیث رسول خدا را به آتش کشید.

عملاً امت نه امام ناطق داشتند نه سنت مکتوب شده. آن‌ها بدون قانون و علم الهی باقی ماندند. بنابراین از بیچارگی دست به دامن قیاس و رأی امثال بی آراء شدند. به جهت اینکه آنها وابسته کامل قیاس شدند، قیاس را در مسند حجت خداوند نشانند.

به دلیل اینکه گرداننده این امور یک مشت بی اطلاع از اسلام بودند، اسم آن یک مشت را اجماع گذاشتند.

آن‌ها اجماع را مانند قیاس در مسند خدا نشانند و عملاً دلیل اسلامی بودن بخش زیادی از فتاوی و هابیون مبتنی بر قیاس است که رأی یک انسان است یا یک اجماع که شاید رأی چند انسان باشد که هیچکدام ربطی به خدا ندارد.

عملاً احکام خدا، احکام انسان‌ها شد و انسان‌ها هم به دلیل اینکه نسبت به خاندان رسول خدا همانند برادران حضرت یوسف حسود بودند، همه را قتل عام کردند. حضرت حجت هم از دست ظالمان فراری است.

در پایان این مطلب باید عرض کنم چندین بار خودشان اعلام کردند که فلان مطلب را مخفی نگه ندارید. در این زمینه دو مورد عمده است.

مورد اول اینکه جناب خلیفه به «ابن عباس» گفت: اینکه تفسیر قرآن کریم بدون امام الهی موجب اختلاف و سپس جنگ خواهد شد را به کسی نگو.

مورد دوم این بود که عثمان به «عبدالله بن عمر» گفت: به خاطر به آتش کشیده شدن احادیث رسول خدا و عدم حضور علی بن ابی طالب امت در دریایی از جهل به احکام غوطه ور شدند. این قضیه را مخفی کن! آن‌ها خیال می‌کردند که با این مخفی کردن‌ها می‌توانند تا روز قیامت مقابل اراده الهی بایستند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

**مجری:**

احسنتم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

احسنت، جزاکم الله خیرا. من برای اینکه به فرمایشات ایشان دقت بهتری شود، مطلبی در این زمینه بیان می‌کنم. در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم صفحه 149 روایتی از قول «ابن عباس» نقل شده است که پیغمبر اکرم می‌فرمایند:

**«وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْاِخْتِلَافِ»**

اهلبیت من مایه امنیت جامعه از اختلاف و درگیری هستند.

به بیان بهتر اگر امت بخواهند از اختلاف بیمه شوند، باید به سراغ اهلبیت بروند و غیر از این راهی نیست.

**«فَإِذَا خَالَفَتْهَا قَبِيلَةٌ مِنَ الْعَرَبِ اِخْتَلَفُوا فَصَارُوا حِزْبَ إِبْلِيسَ»**

اگر قبیله عرب با علی بن ابی طالب مخالفت کنند، به حزب ابلیس برمی‌گردند.

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411هـ - 1990م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 3، ص 162، ح 4715

صحبتهای بسیار عجیب «ابن عباس» در آخرین ساعات عمر خود!

از میان کتب شیعه هم کتاب «کفایة الأثر» صفحه 20 روایت مفصلی نقل کرده است. در روایت آمده است لحظات آخر عمر «ابن عباس» بود، در حالی که تعدادی از شیوخ و علمای بزرگ در طائف خدمت ایشان رسیدند.

در میان این افراد «عطاء»، «عبدالله بن سلمه»، «عمارة بن أبی العزیز»، «ثابت بن مالک» و دیگران حضور داشتند. یکی از افراد گفت:

«فَأَخْبَرَنَا عَنِ اخْتِلَافِ هَذِهِ الْأُمَّةِ»

ابن عباس! از اختلافی که میان امت افتاده خبر بده.

«فَقَوْمٌ قَدْ قَدَّمُوا عَلَيَّ عَلَى غَيْرِهِ وَ قَوْمٌ جَعَلُوهُ بَعْدَ ثَلَاثَةِ»

عدهای علی را مقدم کرده‌اند و عدهای هم می گویند که علی چهارمی است.

«قَالَ فَتَنَّفَسَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي»

ابن عباس نفسی کشید و گفت از پیغمبر اکرم شنیدم که فرمود: علی با حق است و حق با علی است و او امام و خلیفه شما بعد از من است.



«فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ فَازَ وَ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ ضَلَّ»

هرکسی به علی تمسک بجوید نجات پیدا می‌کند و هرکسی از علی جدا شود هلاک خواهد شد.

«فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَمَةَ الْحَضْرَمِيُّ يَا ابْنَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ فَهَلْ كُنْتَ تُعْرِفُنَا قَبْلَ هَذَا»

عبدالله بن سلمه حضرمی گفت: ای پسرعموی رسول خدا! چرا تا به حال این حرف‌ها را نمی‌گفتید؟!

«فَقَالَ وَ اللَّهُ قَدْ أَدَيْتُ مَا سَمِعْتُ وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِنَّكُمْ لَا تُجِيبُونَ النَّاصِحِينَ»

ابن عباس گفت: به خدا همه اینها را گفتم و شما را هم نصیحت کردم، اما شما خیرخواهان را دوست نمی‌دارید.

«ثُمَّ تَفَرَّقَ الْقَوْمُ فَقَالَ لِي يَا عَطَا خُذْ بِيَدِي وَ احْمِلْنِي إِلَى صَحْنِ الدَّارِ»

سپس زمانی که جمعیت متفرق شدند، ابن عباس به من گفت: عطا دست مرا بگیر و به حیاط ببر.

«ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِوَلَايَةِ الشَّيْخِ

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»

زمانی که او را به حیاط آوردم، دست‌هایش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا به محمد و آل محمد به سمت تو تقرب می‌جویم، خدایا به ولایت علی بن ابی طالب به تو تقرب می‌جویم.

«فَمَا زَالَ يَكْرُرُهَا حَتَّى وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ»

او مرتب این جمله را تکرار می‌کرد تا یک مرتبه با صورت به زمین افتاد.

«فَصَبَرْنَا عَلَيْهِ سَاعَةً ثُمَّ أَقَمْنَاهُ فَإِذَا هُوَ مَيِّتٌ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ»

ساعتی تأمل کردیم، سپس دست زدیم و دیدیم ابن عباس از دنیا رفته است.

كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، نویسنده: خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح:  
حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، ص 20، باب ما جاء عن عبد الله بن العباس عن رسول الله ص فی  
النصوص على الأئمة الاثني عشر ع

مشاهده کنید آخرین جمله «ابن عباس» این بود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِوَلَايَةِ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ». مصداق اتم عاقبت بخیری همین است.

**مجری:**

اللهم اجعل عاقبة أمورنا خيرا. الحمد لله خیلی زیبا بود. تشکر می‌کنیم از آقای بهادری که این فرصت را به وجود آوردند تا این مطلب بیان شود.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

البته عرض کنم این روایت تنها در کتاب «کفاية الأثر» نیست بلکه «احمد بن حنبل» هم در کتاب «فضائل الصحابة» جلد دوم صفحه 662 این روایت را نقل می‌کند. کتاب «عمدة عیون صحاح الأخبار» اثر «ابن بطریق» صفحه 272 این روایت را نقل کرده است.

آخرین جمله «ابن عباس» می‌گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِوَلَايَةِ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» را هم شیعه نقل کرده و هم اهل سنت نقل کرده است.

بنده وقتی این روایت به ذهنم می‌آید، به حالت «ابن عباس» حسرت می‌خورم که در آخرین لحظات عمر خود با توسل به امیرالمؤمنین از دنیا رفت.

در روایت هم آمده است که روزی امیرالمؤمنین از پیغمبر اکرم خواست تا او را دعا کند. رسول گرامی اسلام فرمودند: خدایا به حق علی بن ابی طالب دعای علی بن ابی طالب را به اجابت برسان.

«ابن عباس» می‌گوید من جلو رفتم و پرسیدم: این چطور دعا کردن است؟! شما همیشه خدا را به اسماء حسنايش سوگند می‌دادید، اما این بار خدا را به علی بن ابي طالب سوگند دادید.

پیغمبر اکرم فرمود: زمانی که به درگاه الهی نگاه کردم، مقرب‌تر از علی در درگاه الهی به خدا ندیدم. بنابراین خدا را به علی سوگند دادم. من در خدمت شما هستم.

**مجری:**

خیلی زیبا و قابل استفاده فرمودید. الحمدلله استفاده کردیم.

**این نظر قطعی شیعه پیرامون صحابه پیامبر است!**

تماس بعدی جناب آقای ماجد از فارس هستند. در خدمت شما هستیم، صدای شما را می‌شنویم:

**بیننده (آقای ماجد از فارس – اهل سنت):**

سلام علیکم، خسته نباشید.

**مجری:**

سلام علیکم و رحمة الله، سلامت باشید.

**بیننده:**

آقای قزوینی شما گفتید که حضرت علی اصحاب را به سه دسته تقسیم کردند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

چهار دسته.

**بیننده:**

شما در جای دیگر گفتید که همه اصحاب به غیر از پنج نفر گمراه شدند. حال چطور اصحاب را به چهار دسته تقسیم می‌کنید؟!

**مجری:**

الآن شما با چهار دسته مشکل دارید؟! حضرت استاد کاملاً آن روایات بحث ارتداد را بررسی فرمودند. این چه اشکالی دارد؟! یک دسته مرتد شدند، یک دسته عاقبت بخیر شدند، دو دسته هم تبیین درستی از نقل رسول الله نداشتند. الآن مشکل چیست؟!

**بیننده:**

مشکل اینجاست که شما می‌گویید همه صحابه غیر از چهار نفر مرتد شدند.

**مجری:**

اصلاً تلاش بر همین بود و موضوع برنامه در این چند جلسه همین بود که به هیچ وجه شیعه چنین عقیده‌ای را قبول ندارد. حال بازهم در خدمت حضرت استاد هستیم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

آقا ماجد عزیز ما عرض کردیم بعد از رحلت نبی گرامی اسلام تعداد زیادی از صحابه با امیرالمؤمنین بودند. در جنگ جمل نزدیک نهصد نفر از صحابه در رکاب امیرالمؤمنین بودند.

از این تعداد هشتصد نفر از انصار و چهارصد نفر از کسانی که در بیعت رضوان بودند و صد و سی نفر از بدریون در رکاب امیرالمؤمنین بودند. ما همه این صحابه را اهل بهشت می‌دانیم. چرا شما اینطور می‌فرمایید؟!

ما نقل کردیم که «مسعودی» می‌نویسد:

«وكان جميع من شهد معه من الصحابة ألفينا وثمانمائة»

در جنگ صفین دو هزار و هشتصد نفر با علی بن ابی طالب بودند.

مروج الذهب، اسم المؤلف: أبو الحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی (المتوفی: 346 هـ)، ج 1،

ص 314، باب التقاء الحکمین

ما نسبت به تمامی این افراد احترام می‌گذاریم، معتقدیم که آنها به عهدشان وفا کردند و آنها را اهل بهشت می‌دانیم.

غیر از افرادی که در جنگ صفین جدا شدند و به خوارج پیوستند، ما تمامی این افراد را اهل بهشت می‌دانیم. ما چنین چیزی نداریم که غیر از دو سه نفر همگی مرتد شدند.

عزیز دل من دشمن بعضی از روایات ضعیف و بی سند را از ما برای شما و از شما برای ما نقل می‌کنند. آقا ماجد عزیز ما باید قدری روشن باشیم و فریب دشمن را نخوریم و تلاش کنیم صفا و صمیمیتی که بین شیعه و سنی در ایران هست را از بین نبریم.

**بیننده:**

آقای قزوینی من می‌گویم این مطالب داخل کتب شما آمده است و شما قبول ندارید یا اینکه اصلاً نیامده است؟!

**مجری:**

آقا ماجد عزیز افراد زیادی پشت خط هستند. بنده به این قضیه اشاره کنم که استاد مفصل این روایت را بررسی سندی و دلالی فرمودند.

ما مثل بعضی از اهل سنت نیستیم که بگوییم صرف اینکه در کتاب «صحیح مسلم» یا «صحیح بخاری» آمده باشد، کأن این روایت در قرآن بلکه بالاتر از قرآن آمده است و باید بپذیریم.

حضرت استاد بیش از بیست سال تدریس فن فهم اینکه آیا چنین چیزی را می‌توانیم بپذیریم یا خیر را داشتند و به صراحت مطرح فرمودند.

زمانی که ما تاریخ را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که تاریخ غیر آن که تنها چند نفر ایمان آوردند و بقیه مرتد شدند را به ما می‌رساند. بنابراین این روایت از لحاظ سندی و دلالی مشکل دارد. حضرت استاد کاملاً این مطالب را فرمودند.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر من اگر در کتب ما آمده است که امت محمد جز چهار نفر همگی مرتد شدند، در کتب اهل سنت هم آمده است. در کتاب «سنن نسائی» یکی از کتب معتبر اهل سنت و جزو صحاح سته روایتی از قول «أنس» آمده است که می‌گوید:

«عن أنس بن مالك قال: لما توفي رسول الله صلى الله عليه وسلم ارتدت العرب»

ایشان در مورد سند روایت می‌نویسد:

«حسن صحیح»

سنن النسائی، الكتاب: المجتبی من السنن، المؤلف: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائی، الناشر:

مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة الثانية، 1406 - 1986، تحقيق: عبدالفتاح أبو غدة،

الأحاديث مذيبة بأحكام الألبانی علیها، ج 6، ص 6، ح 3094

همچنین در کتاب «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر» روایتی از قول عایشه همسر پیغمبر اکرم آمده است که می‌گوید:

«عن عائشة قالت لما قبض رسول الله ارتدت العرب قاطبة»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف –

بیروت، ج 6، ص 304، فصل فی تنفيذ جيش اسامة بن زید

حال بازهم در کتب ما آمده است که چند نفر مسلمان باقی ماندند، اما در کتب اهل سنت آمده که همه صحابه مرتد شدند. برادر بزرگوارم حداقل زمانی که به کتاب‌های شیعه نگاه می‌کنید، به کتب خودتان هم نگاه کنید.

**بیننده:**

در کتب دیگر دیده بودم.

**مجری:**

آقا ماجد از تماس شما تشکر می‌کنیم. عزیزان دیگری هم پشت خط هستند. قطعاً در این جلسه با این صحبت‌ها پاسختان را گرفتید، اما می‌توانید برای مطالعه بیشتر به آرشیو برنامه مراجعه بفرمایید.

در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» تایپ شده این مطالب وجود دارد و اگر تمایل دارید می‌توانید فیلم‌ها را هم دانلود کنید.

الحمدلله این جلسه هم تماس‌های عزیزان وصل شد و هم پیام‌های بینندگان را خواندیم. چنین قابلیتی برای عزیزان بیننده در هر جلسه وجود دارد که سؤالات خود را چه به صورت متنی و چه صوتی برای ما ارسال کنید.

همچنین اگر تماس بگیرید، قطعاً در اولویت قرار خواهید گرفت. ان شاءالله ما هم به تماس‌های شما پاسخگو خواهیم بود و آنها را جواب خواهیم داد.

حضرت استاد در ليله الرغائب هستيم. دعا بفرماييد و سپس با بينندگان عزيز خداحافظي كنيم.

### آيت الله دكتور حسيني قزويني:

خدایا تو را به حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) و حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و رسول گرامی اسلام سوگند می‌دهیم.

خدایا امشب، شب آرزوهاست و بالاترین آرزوی ما فرج مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (رواحنا فداه) هست. خدایا دست ما را خالی برنگردان.

خدایا بر همه مسلمانان و تمام مستضعفان و منتظران با تعجیل در فرج حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) منت بگذار و همه ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما و حوائج حاجت مندان روا فرما. خدایا دعا‌های همه و دعا‌های ما را به حق حضرت محمد و آل محمد به اجابت برسان. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

### مجری:

ان شاءالله در همین شب به برکت صوت و صدای حضرتعالی و این دعا‌های خالصانه‌ای که انجام دادید، تمامی دعا‌های شما عزیزان هم مورد استجابت قرار بگیرد. تا دیدار آینده خدانگهدار

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته